



## جریان مرور زمان در مجازات های تعزیری

پدیدآورنده (ها) : عاشور خانی، محمود

فقه و اصول :: نشریه فقه اهل بیت :: بهار ۱۳۸۰ - شماره ۲۵ (ISC)

صفحات : از ۱۵۴ تا ۱۶۰

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1120340>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۹/۱۸

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابراین، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



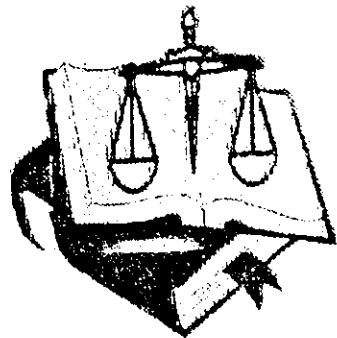
- بررسی شکنجه سفید در منابع شیعه و حقوق موضوعه
- مطالعه ی تطبیقی حقوق خانواده ی متهم در فرایند تحقیقات مقدماتی در ایران و فرانسه
- استقلال بازپرس در انجام تحقیقات مقدماتی و تاثیر آن در تحقق دادرسی عادلانه
- ارایه مدلی در مدیریت کیفیت زنجیره تامین تجهیزات پزشکی بیمارستان با استفاده از تیوری بازی ها
- نقش شعائر در سبک زندگی اسلامی
- انقلاب اسلامی و جنبش حزب الله لبنان
- ارزش های نهادین در انقلاب اسلامی: آزادی در قانون اساسی و از منظر روحانیون فعال در انقلاب اسلامی
- طراحی الگویی راهبردی برای مدیریت بحران در صنعت پتروشیمی
- عوامل مؤثر بر سرقت های مسلحانه کشف نشده در استان کرمان (۱۳۸۹ - ۱۳۸۸)
- پیامدهای (اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی) ظهور طبقه متوسط جدید در ایران
- بررسی تطبیقی حکم نکاح متعه از دیدگاه شیخ طوسی و ابوحنیفه
- بررسی تطبیقی ارکان نماز از دیدگاه مذاهب امامیه وحنفیه

## عناوین مشابه

- حقوق جزا: مرور زمان در مجازات های بازدارنده (۱)
- حقوق جزا: مرور زمان در مجازات های بازدارنده (۲)
- میانجیگری به مثابه سیاست جنایی مشارکتی در مجازات های تعزیری
- بررسی آثار مجازات های تعزیری در قانون جزایی ایران
- بررسی تطبیقی مرور زمان کیفری در قانون مجازات اسلامی ایران و قانون کیفری فرانسه
- مجازات های جایگزین زندان برای اطفال بزهکار در اروپا (کاهش مدت زمان میان ارتکاب جرم و پاسخ قضایی)
- اثر بخشی آموزش گروهی مهارت های مطالعه (مدیریت زمان، برنامه ریزی، مرور و تقویت حافظه) بر اشتیاق تحصیلی، سرزندگی تحصیلی و خودتنظیمی در دانش آموزان دختر
- عوامل موثر در تشدید مجازات های تعزیری در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ و ۱۳۹۲ جمهوری اسلامی ایران
- بررسی مرور زمان در بیمه های بازرگانی
- بررسی تطبیقی تعزیری بودن مجازات های حکومتی از دیدگاه مذاهب اسلامی - با تکیه بر نقش عنصر گناه در ماهیت تعزیر -

# جریان مرور زمان در مجازات‌های تعزیری

محمود عاشورخانی



آیا مرور زمان، در مجازات تعزیری نیز وجود دارد؟ آیا با استناد به ماده ۱۷۳ ق آذک، مصوب ۱۳۷۸، می‌توان جرایم قابل تعزیر را نیز مشمول این ماده دانست یا خیر؟

قبل از اظهار نظر و پاسخ به سؤال فوق، ناچار به طرح سه مقدمه هستیم که پس از آن، آفق پاسخ روشن خواهد شد.

مقدمه اول: ریشه یابی مرور زمان در زبان‌های دیگر

در زبان فرانسه، از مرور زمان به «La Prescription» تعبیر می‌گردد که اعم از مرور زمان در امور حقوقی و کیفری است و برای تخصیص آن به امور کیفری از آن به «Prescription de la Peine» تعبیر می‌شود. در عین حال در زبان آنگلوساکسون (امریکا، انگلستان و ...)

بیشتر، از آن به « Prescription » تعبیر می‌شود که خود، به دو نوع مثبت و منفی قابل تقسیم است؛ یعنی مرور زمان مملک (Positive Prescription) و مرور زمان مُسَقَطِ حَقِّ (Negative Prescription).

در نهایت به مرور زمان جرم (Criminelle) و مرور زمان مجازات (Peine) تقسیم می‌شود که مهم آن است که کلمه « Prescription » از ریشه « Prescrip » مأخوذ است، که معنای لغوی آن - یا حداقل یکی از معانی لغوی آن - ادعا بر پایه عرف و عادت است.

از نکته اخیر این موضوع روشن شد که این تأسیس حقوقی اولاً و بالذات هیچ ارتباطی با احکامی که شارع مقدس، مؤسس و جاعل آن است، نداشته و در عدم شمول و تسری آن نسبت به قوانین تأسیسی دردین، نیاز به زاید بر این نیست اگر چه بدهات عدم جریان این تأسیس حقوقی در قوانین تأسیسی شرع، به شهادت عدم وجود آن در احکام قضایی پس از انقلاب اسلامی ایران مهم‌ترین دلیل برتخالف این دو است، به گونه ای

که بدون اعلام صریح بر عدم اجرای آن در قوانین تأسیسی شرع، اساساً و از ابتدا جاری نشده است. از این رو قبل از اعدام، معدوم بوده. برای توضیح بیشتر باید به مقدمه دوم پرداخت.

## مقدمه دوم: مرور زمان در قوانین کیفری ایران

بند ۴ از ماده ۸، آیین دادرسی کیفری، مصوب سال ۱۲۹۰ ش، برای اولین بار موضوع مرور زمان امور کیفری، آن هم در مورد جرم، با تقیید جرم به امور عرفی، مطرح کرد. چند سال بعد در قانون مجازات عمومی، مصوب ۱۳۰۴ ش، در فصل نهم که به تخفیف مجازات و سقوط تعقیب، اختصاص یافته بود، از ماده ۴۹ به بعد، در این مورد به تفصیل سخن به میان آمد و مرور زمان در جرم و جزا (اجرای احکام) به تفصیل مشخص شد که علی القاعده می‌بایست این قانون، تا پیش از تصویب قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب، مصوب سال ۱۳۷۸، که در ماده ۱۷۳ و

بعد آن اصلاحاتی در این زمینه به وجود آمد، به همان ترتیب مورد عمل واقع می شد، اما متأسفانه بدون هیچ دلیل روشنی، علی رغم اعتراض صاحب نظران، به فراموشی سپرده شد؛ درحالی که، همان طور که گذشت، این تأسیس حقوقی، اول بار در امور کیفری مقید به تقصیرات و جرایم عرفی مطرح گردید و داعیه دخالت در قوانین تأسیسی شرع را نداشت، تا با تصویب قوانین، حدود و قصاص و دیات منسوخ شود.

شاید بهترین و محکم ترین دلیل نافیان جریان این تأسیس حقوقی، در آن برهه، استعلام ۱/۵۰۶۵۵-۱/۲۷/۱۰/۶۱ شورای عالی قضایی و پاسخ ۷۲۵۷-۱/۲۷/۱۱/۶۱ شورای نگهبان باشد که به جهت روشن شدن موضوع عیناً می آوریم:

آیا عدم سماع دعوی طلب و دین در دادگاه، با توجه به ماده ۷۳۱ و... درباب مرور زمان، از ق آدم و ماده ۱۲ از ق آذک، مخالف با موازین شرع است یا خیر؟

پاسخ شورای نگهبان:

مواد ۷۳۱ ق آدم به بعد، در مورد مرور زمان، در جلسه فقهای شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و به نظر اکثریت فقهای شورا، مواد مزبور که مقرر می دارد پس از گذشت مدتی (ده بیست سال و غیره) دعوی در دادگاه شنیده نمی شود، مخالف با موازین شرع تشخیص داده شد.

ملاحظه می کنید که موضوع سؤال، دعوی طلب و دین است که از امور حقوقی (و غیر کیفری) است و به استناد باب ۱۱، از ق آدم، مصوب ۱۳۱۸- یعنی مواد ۷۳۱ تا ۷۶۹- پس از گذشت مواعد مندرجه غیر مسموع است. شاید ذکر ماده ۱۲ ق آذک، مصوب ۱۲۹۰ ش، در سؤال نیز برخلاف ادعای بروز اشتباه چاپی در روزنامه «رسمی» از سوی برخی از صاحب نظران، در شمار تثبیت موضوع سؤال، یعنی دعاوی مدنی و حقوقی است؛ زیرا ماده ۱۲ ق آذک متکفل مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم و از

دعاوی حقوقی است.

پاسخ شورای نگهبان هم به شهادت تکرار ماده ۷۳۱ ق آدام متممخص در امور مدنی بوده و عدم مشروعیت مرور زمان در دعاوی مدنی را تثبیت می کند.

به هر حال، مشروعیت اجرای مقررات مرور زمان در تقصیرها و جرم های عرفی، صرف نظر از تثبیت مجدد آن در سال ۱۳۷۸، به شرح ماده ۱۷۳ تا ۱۷۶، از قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب، معلول این حکم بدیهی عقل است که واضح و جاعل شیء، در رفع آن نیز اختیار دارد؛ چرا که در تعریف «مختار» گفته اند: «إِنْ شَاءَ فَعَلَ وَإِنْ شَاءَ تَرَكَ».

از این رو اگر بتواند مثلاً خرید و فروش ارز را در برهه ای مجاز و در برهه ای غیر مجاز اعلام کند یا ورود کالایی را از مرز با شروطی، مجاز و بدون آن غیر مجاز گرداند یا صید و شکار حیواناتی را در فصولی مجاز و در فصولی غیر مجاز اعلام کند، به طریق اولی می تواند مرور زمان را نیز مؤثر در اثبات یا اسقاط صبغه

جرم بودن این گونه امور قرار دهد که این شاید بداهت مفهوم از معنای لغوی مرور زمان یعنی ادعا بر پایه عرف و عادت است که تصور آن کافی در اثبات آن است؛ لیکن مسأله اصلی در قوانین فعلی، سعه و ضیق این تاسیس حقوقی نسبت به برخی از قوانین جاری است، با اعتراف به عدم جریان آن در دعاوی حقوقی و حدود و قصاص و دیات. به بیان دیگر، موضوع بحث اجرا یا عدم اجرای این تاسیس در مورد تعزیرات معروف است که این موضوع تحت عنوان مقدمه سوم مورد بحث قرار می گیرد.

مقدمه سوم: تعزیرات ثبوتاً و اثباتاً

تعزیرات از جهت ماهیت، به مجازات های خفیف تراز حدود اطلاق می گردد؛ یعنی باید از پایین ترین و سبک ترین حدود نیز خفیف تر باشد و اساساً این نوع مجازات در کتب فقهی قدما و حتی متأخران، کمتر به صورت مستقل بررسی شده؛ بلکه همان طور که در مواردی، مبحث دیات متفرع بر

قصاص است و هنگام تعدّر قصاص یا ارفاق مجنیّ علیه یا اولیای ولی، مجازات قصاص به دیه تبدیل و تخفیف می یابد، تعزیرات نیز فرع بر حدود است و غالباً به طور استطرادی و حاشیه ای، در کتاب حدود مطرح می شود.

موضوع تعزیرات وقتی متحقّق می شود که شرایط اجرای حدّ مربوط فراهم نشود؛ مانند ثبوت تعزیر برای رابطه نامشروع وقتی چهار شاهد بر زنا وجود ندارد.

این، ماهیت شرعی تعزیرات بود، ولی در عمل، اغلب مجازات های جرایم عمومی و حتی خاصّ، مانند جرایم خاصّ نظامیان یا جرایم علیه امنیت و ...، تحت تعزیرات گنجانده شده، به نحوی که ذکر حبس های طولانی برای این گونه جرایم، در مقابل تقیید مجازات شلاق تعزیرات به کمتر از حدّ، چندان متناسب به نظر نمی رسد. از این رو مقنّن، بالاخره در تبصره اول ماده دوم قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب، مصوّب سال ۱۳۷۸، در صدد

اصلاح و رفع نقص مزبور، که در ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ وجود داشت، برآمده است؛ چه، اولاً تعزیرات را مقید به شرعی کرده و ثانیاً آن را مترتب بر ارتکاب فعل حرام یا ترك واجب ساخته و ثالثاً آن را به مطلق قانون مجازات اسلامی احاله داده، نه خصوص کتاب پنجم از آن؛ زیرا همان طور که گذشت، تعزیرات شرعی در متون فقهی متقدّم، اساساً به صورت مستقل مطرح نگردیده، بلکه غالباً به نحو استطراد و حاشیه ای و به ویژه در کتاب حدود مندرج است. بدین جهت از این حرکت اخیر مقنّن این گونه استنباط می گردد که در صدد تفکیک میان تعزیرات شرعی، به معنای متعارف آن در متون فقهی، از حقّ حکومت - که در قانون مجازات اسلامی، از آن به «مجازات بازدارنده» تعبیر شده و در ماده ۱۷ قانون مزبور تعریف شده - است.

نکته بسیار مهمّ این است که حتی اگر این استظهار و استنباط از عملکرد مقنّن در تبصره ۱ ماده ۲ ق آدک مصوب

۱۳۷۸، به جا نباشد، باز تفاوتی در ماهیت قضیه نخواهد داشت؛ زیرا حلّ مشکل تطبیق ماهیت تعزیرات شرعی - که در متون فقهی وجود دارد - بر کلیه مجازات های جرایم عمومی و خاص، جز از این راه میسر نیست.

به بیان واضح تر، ماهیت تعزیرات شرعی مضیق تر از آن است که بتوان مفاد قانون مجازات عمومی، مصوب ۱۳۰۴ به همراه کلیه مجازات های مذکور در قوانین جزایی (مجموعه های قوانین جزایی) و نیز مجازات های جرایم خاص، مانند جرایم نظامی یا دادگاه ویژه روحانیت را تحت آن مندرج کرد. ظاهراً این مساله مورد توجه مقنن بوده که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، در فصل اول، در کنار حدود و قصاص و دیات و تعزیرات، مجازات های باز دارنده را گنجانیده است، که از جهت ماهیت همان حق حکومت و حق سلطان عادل در روایات است. بالاخره و در عمل نیز این دو - یعنی تعزیرات و مجازات های باز دارنده - را بدون تفکیک

از هم، در کتاب پنجم آورده و شاید این کار تا قبل از تصویب آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب، مصوب ۱۳۷۸ و ماده ۱۷۳ آن، مشکل عملی حادی را پیش نمی آورد؛ چرا که محاکم فارق از مباحث تئوری شمول یا عدم شمول عنوان تعزیرات شرعی بر مجازات های عرفی، به مجرد احراز وقوع جرم از طرف مجرم، آن را بر ماده مربوطه در قوانین دارج، منطبق و حکم قضیه را صادر می کردند؛ ولی با تصویب ماده ۱۷۳ بحث شمول مرور زمان بر تعزیرات مطرح شد.

با ذکر این مقدمه نسبتاً طولانی در می یابیم اول باید غرض از تعزیرات را مشخص کرد که آیا همان مفهوم مضیقی است که در متون فقه و لسان روایات، به صورت استطرادی مطرح شده، یا مفهوم آن اعم است که شامل مفاد قانون مجازات عمومی سابق و مجازات قوانین جزایی و جرایم خاص است، تا از این طریق، حیطة و شعاع مجازات های باز دارنده - که موضوع ماده ۱۷۳ آذک، مصوب ۱۳۷۸



قرار گرفته - مشخص گردد.

با توجه به مفهوم لغوی مرور زمان و شعاع شمول آن در قوانین ایران و نیز ماهیت تعزیرات - چه آنچه در لسان روایات آمده یا آنچه در عمل با آن مواجهیم - به نظر می‌رسد بتوان ادعا کرد که موضوع ماده ۱۷۳ ق آذک، مصوب ۱۳۷۸، علی‌رغم ظاهر آن، ناظر به کلیه جرایم و مجازات‌هایی است که شارع مقدس در مورد آن، نصی ندارد. از این رو در مورد غیر از تعزیرات به معنای مضیق آن - و قهراً غیر از حدود و قصاص و دیات که به شرح در مقدمه اول و دوم، عدم میان مرور زمان با آنها تذکر داده شد - می‌توان ادعا کرد که مرور زمان، در کلیه جرایم و مجازات‌ها جاری است؛ زیرا غیر از آنچه ذکر شد، کلیه مجازات‌ها، با تعریف مجازات‌های بازدارنده، به شرح ماده ۱۷ ق م ا مصوب ۱۳۷۰ سازگار است، که در واقع همان حق حکومت می‌باشد و شاید مقنن این موارد را در نظر داشته است؛ زیرا در اول قانون آیین

دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۷۸، با ارائه تعریفی مضیق از تعزیرات شرعی به شرح تبصره اول از ماده دوم آن، حداقل غیر از این تعریف را به مجازات‌های بازدارنده احاله داده است؛ از این جهت وقتی در ماده ۱۷۳ این قانون، مرور زمان را به جرایم و مجازات‌هایی از نوع بازدارنده مقید می‌کند، خود واقف است که در تبصره اول از ماده دوم، با تعریف تعزیرات به صورت مضیق، شعاع مجازات‌های بازدارنده را وسعت بخشیده است.

ختم: «که شاید مانند «به جای مقدمه» غیر قابل درج باشد!»  
یک هفته پس از ارائه و بیان تحقیق فوق همکار ارجمندی از قضات شاغل در محاکم - عمومی استان، رونوشت پاسخ اداره کل حقوقی قوه قضائیه به شماره ۷/۶۹۴/۲ سال ۱۳۷۸ را به حقیر اعطا نموده که پس از قرائت مفاد آن دریافتیم بدون اطلاع از آن - با تفاوت‌هایی - حصم افق با مطالب مار الذکر بوده است.